

دیریت گالیا

بره افتاده کاروان *

با : ه . الف . سایه

حسن حسام

«بر من دگر

فسانه دلدادگی مخوان»

توسایه کدام جوجه و همی

بر شعر تابناک جسارت .

ای شاعر بزرگ!

درچله زمستان

باجامه شبانی

همساز . گله گرگانی!؟

« اما دراین زمانه که در مانده هر کسی

از بهر نان شب »

تو؛

نوحه خوان . خون . جوانان . سربدار

یاروضه خوان دیوو ددانی؟

ای شاعر بزرگ !

« این جا به خاک خفته هزار آرزوی پاک

این جا بباد رفته هزار آتش جوان »

وتوبه هیئت درویشان می رقصی

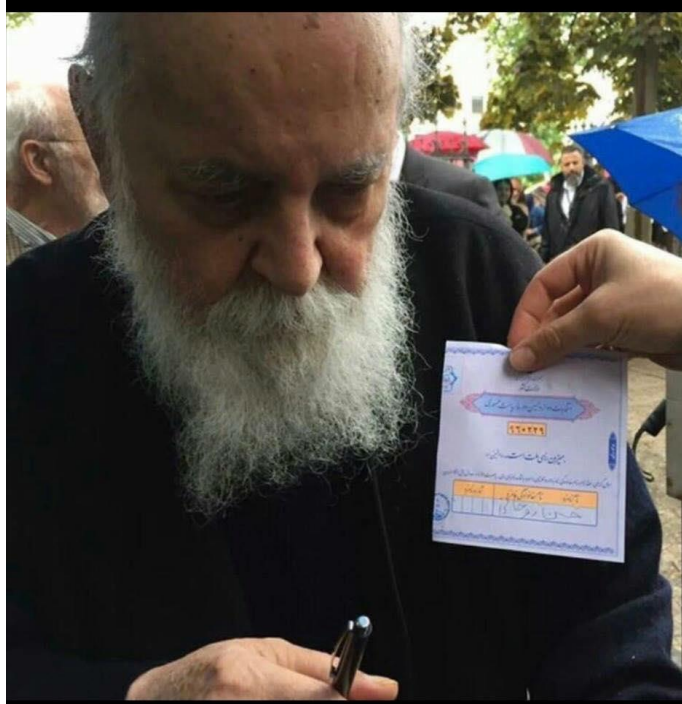
در فصل عاشقی

برشط خون درخشان عاشقان
کز خنجر برهنه ی بیداد
بر خاک خفته اند
ای شاعر بزرگ!
«یاران من به بند...»
در هرکنار و گوشه ی این دوزخ سیاه
پیرانه سرتو اما
شولای ترس بر سر کردی
«شبگیر» گشته ای بتمامی
ای شاعر بزرگ!؟

2017/5/20

پاریس

- عنوان و شعرهای داخل گیومه از شعر « دیر یست گالیلا » اثر ماندگار هوشنگ ابتهاج (ه.الف سایه) نقل شده در مجموعه بنام: شبگیر



استاد سرگرم رای دادن!